

Religious Intellectuals and Religious Theater Based on the Theory of Almond, Appleby, and Sivan (Case Study: Plays of the Years 1972-1981)

Hassan Farzi Pour Ali Kamar¹, Majid Sarsangi², Kazem Nazari³

Receive Date: 13 February 2024, Accept Date: 30 April 2024

Doi: 10,22034/Theater 2024,441096,1037

Abstract

Return to self, according to the intellectuals of this discourse, means the revival of Islamic thought and a return to the Islamic cultural self. The foundations of the discourse of Islamic return to self are Islamic ideology and the reconstruction of religious identity, Islamism, the elevation of Islamic values, internationalism, Islamism, and religious culture. Nowadays, religious approaches, with the aim of countering the secularization of the Islamic world and modernism, are participating in political activities with a more combative stance than before. The growing current of religion, which is moving within the layers of society and politics, has another significant meaning in addition to the religionization of each of the aforementioned components, and that is the practical application of religion in the worldly sphere. This movement aims to transform the sacred aspects of religious concepts into social approaches. That is, with the efforts of religious intellectuals, the sacred and otherworldly aspects of religious concepts are transformed into worldly practical aspects. For this reason, we can explain how Abuzhar, a companion of the Prophet, in the works of Shariati, transforms into a figure with the responsibility of a social reformer and then appears on the theater stage as a dramatic character. According to the research of this paper's findings, which is based on the theoretical pattern of religious fundamentalism, we can recognize that returning to the Islamic past as a fundamental Islamist movement illustrates itself through dramatic texts (Gabriel Almond et al.). The researchers of this article believe that the fundamentalist movement of "Return to Islamic Self," represented by Ali Shariati, considers itself committed to a kind of Islamic socialist uprising due to facing challenges such as secularism and secular governance. This commitment to manifestations of religious fundamentalism, such as playwriting and staging theater in religious areas like Hosseiniyeh Ershad, is each in some way a product of the process of actualizing religion in this world.

1. Ph.D. Candidate in Theater Studies, Faculty of Performing Arts and Music, University of Tehran, Iran.

Email: Hasan.farzi.p@gmail.com

2. Associate Professor, Faculty of Performing Arts and Music, University of Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: msarsangi@ut.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Theater, Faculty of Art, Soore International University, Tehran, Iran. Email: nazari1971@gmail.com

After the introduction of fundamentalist measures into theatrical texts, a serious disorder has occurred in the field of theater, and the theatrical aspects of the text have entered a crisis. Despite the efforts of these thinkers, a return to the fundamental principles of religion, under the title of a return to authentic Islam, does not have significant potential in the field of theater, as ideological and religious specifications prohibit various theoretical approaches. Moreover, since there are no theoretical sources available, the result is nothing but slogan-like works devoid of the ideas of playwriting. The dramatic text, rather than having a dramatic action, turns into a fundamentalist actor. Religious intellectuals, in addition to not adding anything intellectual to the play text theoretically, are considered a destructive force in theater theorizing.

Keywords: Religious Intellectuals, Religious Theater, Theory of Almond, Appleby, and Sivan

بازگشت به خویشتن اسلامی روشنفکران دینی و تئاتر مکتبی^۱

حسن فرضی پور علی کمر، مجید سرسنگی^۲، کاظم نظری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۱

صفحه ۴۷ تا ۶۲

Dol:10.22034/THEATER.2024.441096.1037

چکیده

تشیع که در طی صدسال اخیر، با توجه به تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، خواستار جایگاه والاتری در عرصه سیاست و اجتماع بوده، به همت کنشگری روشنفکران دینی به صورت مبارزه جویانه تری به میدان سیاست ورود کرده است. جریان روشنفکری دینی دهه ۱۳۵۰ خورشیدی با خوانش متفاوت از اسلام، خواهان بازگشت به اسلامی است که نمایندگانش روشنفکران مبارز و انقلابی‌های اصیل بومی هستند. روند روبه رشد حرکت مذهب به درون جامعه و سیاست، و سیاسی شدن دین، لزوم به کارگیری تئاتر را برای این پیشروی توجیه می‌کند. در واقع به کارگیری تئاتر و نگارش متن ادبی و نمایشی، برای عرضه دین در ساحت‌های اجتماعی و سیاسی، از مهم‌ترین گزینه‌های روشنفکران دینی در این فرایند، بوده است. مسئولیت اجتماعی سیاسی تئاتر در نزد روشنفکران دینی، ایجاد احساسات توده در یک فضای آشتی ناپذیر با حکومت پهلوی است. بر پایه چنین فهمی می‌توان توضیح داد که چگونه ابوذری، صحابی پیامبر، که در آثار شریعتی به ابوذری سوسیالیست با مسئولیت یک مصلح اجتماعی تبدیل شده بود به عنوان یک کاراکتر نمایشی، وارد حوزه تئاتر می‌گردد. این پژوهش با توجه به نظریه بنیادگرایی دینی گابریل آلموند و همکاران و تئوری ارتباط بنیادگرایی با ادبیات اکسل استهلر، کلاوس استایرستورفر و همچنین مارک کریگر در فضای مطالعات بنیادگرایی در ادبیات معاصر، بر اساس نحوه گردآوری و جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی-تحلیلی، کتابخانه‌ای و کیفی است که با شناسایی تز علی شریعتی. بازگشت به گذشته خویشتن اسلامی. به عنوان نوعی جنبش بنیادین اسلام‌گرا، به بررسی نسبت روشنفکران دینی و تئاترهای مکتبی در نخستین خاستگاهش می‌پردازد. به کارگیری تئاتر برای همراهی در مسئولیت‌های دینی، با تکیه بر یافته‌های این پژوهش، کنشی بنیادگرایانه محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: روشنفکران دینی، بنیادگرایی، تئاتر مکتبی، بازگشت به خویشتن اسلامی

۱. این مقاله برگرفته از پروژه رساله دکتری آقای حسن فرضی پور علی کمر، با عنوان «نسبت جریان‌های روشنفکری و ادبیات نمایشی در ایران (۱۳۴۰ - ۱۳۵۷)» در رشته تئاتر است که در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، با راهنمایی دکتر مجید سرسنگی است که در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۴۰۳ دفاع شده است.

۲. دانشجوی دکتری تئاتر، گروه هنرهای نمایشی، دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی، دانشکده‌گان هنرهای زیبای، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: Hasan.farzi.p@gmail.com

۳. دانشیار، گروه تئاتر، دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی، دانشکده‌گان هنرهای زیبای، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Email: msarsangi@ut.ac.ir

۴. استادیار گروه تئاتر، دانشکده هنر، دانشگاه سوره تهران، تهران، ایران.
Email: nazari1971@gmail.com

درآمد

با پذیرش وجود نسبت مستقیم میان پدیدهٔ تجدد و روشنفکری با تئاتر، بر اساس مواجههٔ نخستین‌شان که نوعی گسست متجددانه روشنفکران ایرانی، و اهالی نمایش از سنت و اصالت، و پذیرش دستاوردهای غربی همچون متون روشنگری، نمایشنامه و تئاتر بود می‌توان به بررسی نسبت همزمانی تولید متون نمایشی دین‌محور، با نگرش روشنفکران دینی در سال‌های پایانی پهلوی دوم پرداخت. وضعیتی که در آن مذهب‌یون سیاسی و روشنفکران دینی برای تسلط بر فضای سیاسی اجتماعی و البته فرهنگی، نوعی از بنیادگرایی را ایجاد نمودند که بتواند به کمک تولید متن نمایشی و اجرای تئاتر در اماکن مذهبی این تسلط را بسط دهد. در نیمهٔ دوم قرن بیستم، جنبش‌های متعددی در جهان در برابر مدرنیته و فرایند جهانی شدن شکل گرفتند که دو بستر اساسی داشتند:

۱. ایدهٔ خود را از سنت، بوم و گذشتهٔ خویش برمی‌گرفتند؛
۲. تئوری‌های مورد نیاز این جریان برای شکل‌گیری پارادایم‌های مبتنی بر سنت، ریشه‌ای غربی داشت.

اهمیت به‌کارگیری تئاتر، نزد جریان بازگشت به خویش‌تن اسلامی برای انتشار پیام، به تلاش‌های اولیه در جهت دستیابی به نوعی تئاتر برخاسته از بنیادهای این نگرش، که پشتوانهٔ علمی و تجربی دقیقی نداشتند انجامید. با بررسی محتوای آثار نگارش یافته در این سال‌ها و به‌خصوص ارائه شخصیت‌هایی همچون ابوذر با نگرش سوسیالیستی مورد نظر شریعتی، تمایلات اجتماعی و سیاسی روشنفکران دینی بازگشت به خویش‌تن اسلامی واضح‌تر می‌گردد. خیزش‌های سیاسی رادیکال دههٔ ۱۹۷۰ میلادی با رویکردهای ضد امپریالیستی، ضد سرمایه‌داری، رادیکال‌دموکراتیک و اسلام‌گرا و تمایلات فکری روشنفکران ایرانی که سعی داشتند جنبه‌های مبارزاتی دین را جایگزین گرایش‌های

اصلاح‌طلبانهٔ ملی‌گرایانه کنند، نوع به‌خصوصی از تئاتر را شکل می‌داد که همچون این جریان دینی سیاسی، بسیار مبارز، تندخو و آشتی‌ناپذیر بود. تلاش علی شریعتی به عنوان یک روشنفکر متعهد، برای ارائه مفاهیمی اسلامی، با نگرشی مارکسیستی، باعث شکل‌گیری نطفهٔ نوعی از تئاتر اسلامی مارکسیستی در این سال‌هاست که توجه چندانی به آن صورت نگرفته است. در روند روبه‌رشد تز شریعتی، بازگشت به خویش‌تن، به عنوان بن‌مایهٔ تئاتر به تشریح چگونگی زایش بنیادگرایی اسلامی از درون تجددخواهی اعتبار می‌بخشید. درواقع نگارش متن نمایشی و اجرای تئاتر منبعی برای ارائهٔ اندیشه سیاسی با محتوای بنیادگرایی بازگشت به خویش‌تن اسلامی بود.

پیشینهٔ پژوهش

با ورود علی شریعتی به فضای فرهنگی و سیاسی ایران، در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ خورشیدی، یک جریان روشنفکری دینی با خوانش جدیدی از اسلام در جامعهٔ ایرانی شکل می‌گیرد که ویژگی‌های یک جنبش بنیادگرا را بروز می‌دهد. نظام مسئله‌مندی علی شریعتی که به نوعی وام‌دار احمد فرید و جلال آل‌احمد است مترصد طرح و استخدام برخی مفاهیم سوسیالیستی و اگزیستانسیالیستی، برای بقاء و بازتعریف مجدد سنت، با عنوان بازگشت به خویش‌تن اسلامی بود، توسط اندیشمندان همچون سعید امیرارجمند، یرواند آبراهامیان، حمید دباشی، مهرزاد بروجردی، علی قیصری، نگین نبوی، علی میرسپاسی، افشین متین، حسین کچوئیان، علی اکبر، داود فیرجی، آصف بیات، عیسی عبدی، فرزین وحدت و مجید استوار به عنوان نوعی بنیادگرایی ابتدایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. پژوهش‌های انجام شده درخصوص تحلیل آثار نمایشی معاصر ایران، بر اساس

بر اساس دیدگاه دینی در تعاملی گزینشگرانه، نظام معنایی خود را از بستر دین با تعبیر سوسیالیستی در درون اثر خویش ساماندهی می‌کند.

چهارچوب نظری

ارائه تعریفی جامع از اصطلاح بنیادگرایی (فاندامنتالیسم)^۱ به عنوان یک جنبش، دشوار است. تا اواسط دهه هفتاد میلادی، ایده فراگیر، جدایی دین از سیاست و زوال اهمیت سیاسی اجتماعی دین در فضای کشورهای توسعه یافته دنبال می‌شد. با انقلاب ۱۳۵۷ خورشیدی در ایران، چالش عمده‌ای در نگرش جدایی دین از سیاست، شکل گرفت.

گابریل آلموند و اپلی در کیش/استوار (۲۰۰۳) با تکیه بر یافته‌های پژوهش بنیادگرایی دانشگاه شیکاگو، الگویی نظری از بنیادگرایی دینی ارائه نمودند. این پژوهش میان‌رشته‌ای درباره جنبش‌های مذهبی ستیزه‌جوی ضد مدرنیستی، سعی در درک ساختارهای مختلف اجتماعی، زمینه‌های فرهنگی و محیط سیاسی مؤثر بر شکل‌گیری جنبش‌های بنیادگرایی دارد. آلموند در فصل دوم «بنیادگرایی را به عنوان الگویی از ستیزه‌جویی مذهبی که توسط مومنان واقعی خود خوانده رهبری می‌شود» (Appleby, Sivan & Almond, 2003: 74). تعریف می‌کند. دین بنیادگرا دسته‌ای از قواعد منظم را سازمان می‌دهد که باورمندان باید بر اساس آن زیست خود را سامان دهند. بدین ترتیب، دین به عنوان محرکی اجتماعی است [که] تغییراتی جدی را به دنبال دارد (Appleby, Sivan & Almond, 2003: 24). تشریح روش‌شناسی مدل آلموند و همکاران برای شناسایی جنبش‌های بنیادین در فصل سوم و فصل چهارم، و با توجه به دو سطح ایدئولوژیک و سازمانی تقسیم می‌گردد. از نظر این پژوهشگران، «جنبش‌های بنیادین،

اندیشه مبتنی بر تز شریعتی؛ بازگشت به خویشتن اسلامی، به صورتی ضمنی و حاشیه‌ای صورت گرفته است و کمتر به صورت متمرکز استفاده شده است. به عنوان نمونه، یکی از این کوشش‌ها، مقاله «تحلیل جریان غالب تئاتر انقلابی در ایران با تکیه بر گفتمان‌های فکری، فلسفی مؤثر پیش از انقلاب» مرجان پورغلامحسین و میرمحمد رضا حیدری است که به تأثیر، گفتمان برجسته‌ترین روشنفکران پیش از انقلاب، فریدید، شریعتی و نصر بر ادبیات نمایشی پس از انقلاب می‌پردازد. در واقع مسئله این پژوهش به نوعی درک نسبتی است که میان ادبیات و بنیادگرایی بازگشت به خویشتن اسلامی در حال شکل‌گیری است.

روش تحقیق

در مورد گزینش نوع پژوهش با توجه به ابزارهایی که برای کشف و درک معانی، نحوه گردآوری و جمع‌آوری اطلاعات مورد استفاده است این پژوهش توصیفی تحلیلی، کتابخانه‌ای و کیفی است هرچند به پژوهش‌های بنیادین، عمل‌گرا و ساختارگرای اجتماعی نیز تمایل دارد. در روش پژوهش کیفی، طبیعی است که بررسی با توسل به سبک استقرایی، موقعیت‌ها را مهم و فراگیر تصور کند، و بر مبنای کلمات به عنوان ابزاری برای کشف و درک معانی و توصیف آنها، به مطالعات موردی تمایل داشته باشد. گزارش نهایی در این پژوهش نیازمند ساختاری انعطاف‌پذیر است. زیرا که به دنبال تعامل میان روشنفکران دینی با تکیه بر علی شریعتی و نمایشنامه‌نویسان است و سعی دارد الگوی از معانی گردآوری شده تهیه کند. الگویی که نشان می‌دهد متن نمایشی، به موازات جهانی مبتنی بر نوعی بنیادگرایی دینی شکل می‌گیرد. جهانی که نویسنده به آن اعتقاد دارد و به نشر و تبلیغ آن می‌پردازد. به عبارتی نمایشنامه‌نویس

ادبی و هنری بنیادگرایی و کارکرد ادبیات در بنیادگرایی به بررسی تفاوت‌ها، قرابت‌ها و ناسازگاری‌های کلی زیربنایی ادبیات، فرهنگ و بنیادگرایی می‌پردازند. متن ادبی تفسیری تحت‌اللفظی از متون دینی که خطاناپذیر تلقی می‌شوند، نیستند بلکه آنها تلاش می‌کنند، موضوعات، بن‌مایه و شخصیت‌های خود را به صورت مستقیم از شارع مقدس دریافت کنند. این متون با درک اهمیت متن مقدس نسبت مستقیمی میان بنیادگرایی و بازنمایی این بنیادگرایی را در متن ادبی نشان می‌دهند. با پذیرش نسبت میان بنیادگرایی و متن ادبی، «اما ارجاع متن ادبی به متون مقدس یک تکلیف دینی محسوب نمی‌گردد، بلکه یک کنش سیاسی و یک ضرورت ایدئولوژیک است» (stahier&stierstorfer,2009:21). این کنش از هرگونه تخیل به مثابه یک تحریف غیرقابل پذیرش پرهیز می‌کند مگر ضرورت ایدئولوژیک اقتضا نماید. بنابراین یک بنیادگرای معتقد، شخصی است که زندگی خویش را بر اساس تفسیرهای مورد پذیرش از کتاب مقدس پیش می‌برد و الگوواره شخصیتی را می‌پذیرد که نمونه اسوه‌ای یا سمبلی از دلدادگی مقدس مورد پذیرش ضرورت ایدئولوژیک دارد. بن‌مایه مدنظر نگارندگان متون ادبی نیز در نسبتی

به‌واسطه روبه‌رویی با مسائلی، همچون سکولاریسم^۲ و دولت سکولار، خویشتن را متعهد از نوعی قیام می‌دانند» (Appleby, Siv- (an & Almond,2003:41). به نظر می‌رسد این پژوهشگران ظهور جنبش‌های بنیادگرایی را در بطن فرایند دنیوی شدن، درک می‌کنند. از نظر آنان «دینی که [بنیادگرایان] درصدد احیای آن هستند با همه کوشندگی‌شان، و ادعایی که طرح می‌کنند، همان دین اصیل و سنتی نیست» (Appleby, Sivan & Almond, 2003: 13). و بنیادگرایی دینی همچون جنبش‌های اجتماعی محدود به زمان و مکان مشخص، و پویایی درونی و بیرونی هستند» (Appleby, Sivan & Almond, 2003: 120). آل‌موند، اپلی و سیوان (۲۰۰۳) ویژگی‌های نُه‌گانه‌ای را در دو سطح ایدئولوژیک و سازمانی در فصل سوم (ساختار، شانس و انتخاب: توضیح اصولگرایی) و فصل چهارم، (جنبش‌های بنیادگرا به عنوان سیستم‌های اضطراری مبارزه با جهان: مدل‌های بنیادین و بنیادگرا) دسته‌بندی می‌کنند. این ویژگی‌ها در سطح ایدئولوژیک عبارت‌اند از: واکنش به حاشیه‌سازی، گزینش‌گری، جهان‌بینی مبتنی بر دوانگاری، مطلق‌انگاری و خطاناپذیری، و موعودگرایی. چهار ویژگی سازمانی نیز عبارت‌اند از: برگزیدگی (خودحقوق‌پنداری)، حدود مشخص، سازمان مقتدر، الزام‌های رفتاری. (تصویر ۱)

بازنمایی بنیادگرایی در ادبیات نمایشی

با اینکه رابطه پیچیده و گاهی متناقض بنیادگرایی با ادبیات و خصوصاً ادبیات نمایشی و تئاتر هنوز تا حد زیادی ناشناخته باقی مانده است اما مقالات کتاب، نوشتن و بنیادگرایی (۲۰۰۹) اثر اکسل استهلر و کلاوس استایرستورفر در فضای مطالعات فرهنگی و ادبی چشم‌اندازی تاریخی را برای تولید چهارچوب‌های نظری ایجاد کرده، که به‌طور انتقادی با مفاهیم دریافتی بنیادگرایی درگیر است. آنها با کاوش در بازنمایی



تصویر ۱. الگوی نظری آل‌موند، اپلی و سیوان.

در جست‌وجوی هویت سؤالاتی را بدون ارائه راه حلی طرح می‌کند، شریعتی به عنوان مشهورترین روشنفکر دینی با خوانش ایدئولوژیک خود، و طرح گفتمان بازگشت به خویشتن، علاوه بر تکمیل گفتمان غرب‌زدگی جلال آل احمد، به ارائه جایگزینی مبارز، معترض و ترقی‌خواه می‌پردازد.

تفکر رسمی دوران پهلوی دوم، یعنی جدایی دین و سیاست، باعث کاهش تمایل به ناسیونالیسم مبتنی بر ایران‌شهری، شکل‌گیری قرائت‌های تازه از دیانت در نوعی تجمیع دین و روشنفکری، احساس گناه ناشی از رها کردن ارزش‌های سنتی، روند روبه‌رشد گفتمان مبتنی بر اصالت، و افول نگرش جدایی دین از سیاست شد. این زمینه مناسب برای تبیین راه سوم شریعتی و نوعی از رنسانس مبتنی بر بازگشت به گذشته بود. ایجاد این بافت در واقع، راه را بر ایجاد یک آرمانشهر این جهانی اسلامی در ذهنیت جامعه ایرانی هموار می‌ساخت. ایده‌های در دهه ۱۳۵۰ خورشیدی که پاسخی قابل قبولی برای همه پرسش‌های زمان خودش داشت. نگرش اعتقادی و اصولی که در صد سازمان دهی فرهنگی نوعی ایدئولوژی سیاسی مبتنی بر فرا ملی‌گرایی اسلامی بود. از سوی دیگر «در محافل روشنفکری و دانشگاهی اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی سه جریان سیاسی، اجتماعی؛ نخست مارکسیستی، دوم جریان اسلام‌گرا و در نهایت جریانی التقاطی اسلامی و مارکسیستی، نفوذ داشتند» (بیات، ۱۴۰۲: ۶۴). «گفتمان غالب روشنفکری و همچنین سیاسی، اجتماعی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ در ایران، گفتمان چپ بوده است» (محمودی، ۱۳۹۸: ۳۵۷). «تمایل شاه به سرکوب مارکسیسم و کمونیسم در ایران به تحمل نسبی فعالیت‌های اسلامی در دهه‌های چهل و پنجاه از جانب رژیم او به منظور مقابله با گسترش آن ایدئولوژی‌ها انجامید» (وحدت، ۱۳۹۵: ۱۹۸). روشنفکران دینی که عمیقاً به فرهنگ اسلامی باور داشتند و آن را نیروی نگه دارنده

مستقیم با این بنیادگرایی ارائه می‌شود. از نظر این بنیادگرایان، همه حوزه‌های زندگی اجتماعی مقدس است. در واقع آنها تمایل دارند دیدگاه‌های خود را به سایرین تحمیل کنند تا اطمینان ببابند که زندگی روزمره مردم مطابق با تفسیر ایدئولوژیک آنها از کتاب مقدس امتداد دارد. این نگرش توسط بنیادگرایان بازتعریف شده و نهایتاً وارد متن ادبی می‌گردد. بدین ترتیب که امر نمایشی متأثر از تعریف مقدس زندگی روزمره در اثر فرهنگی و ادبی خود را بازیابی می‌کند. آنها اطمینان می‌یابند که متن نمایشی توان ارجحیت امر مقدس را بر امر نمایشی دارد. در این انطباق وجوه نمایشی با زندگی اجتماعی مقدس، تحمل دیدگاهی دیگر وجود ندارد و حقیقت متن ادبی برخاسته از حقیقت دین، در انحصار آنان است. و چون هیچ پدیده‌ای مقدس‌تر از دوران طلایی دین نیست در نتیجه آنها به شدت تمایل دارند با نوستالژی به دوره‌های مذهبی بنگرند.

بحث و بررسی

زمینه‌های بنیادگرایی بازگشت به خویشتن اسلامی

بازگشت به خویشتن اسلامی علی شریعتی در دو جریان متفاوت ریشه دارد: نخست؛ متأثر از گفتمان ضدمدرنیستی اروپا و روشنفکرانی همچون ژان پل سارتر، لویی ماسینیون، هانری کربن و روشنفکران مستعمره‌نشینی همچون فرانسیس فانون، امه سزر است. دوم جریانی ریشه‌دار در سرزمین‌های اسلامی است که سید جمال‌الدین اسدآبادی، به عنوان آموزگار «جمع منورالفکری با دین در ایران و هند و عثمانی» (داوری اردکانی، ۱۳۹۲: ۱۰۲) آغازگر آن است و با شیخ محمد عبده، اقبال لاهوری و میرزا محمد حسین نائینی و ابوالاعلی مودودی ادامه یافته، و با ستایش، جلال آل احمد از شیخ فضل‌الله نوری مازندران، خود را در بطن جریان بنیادگرایی اسلامی قرار می‌دهد. اگر آل احمد

می‌دانستند، به واسطه ضعف تئوریک‌شان، از مفاهیم چپ همچون، سوسیالیسم اتوپیایی^۳ که از اصطلاحات ابداعی انگلس بود و در اندیشه‌های مارکسیستی کاربرد خاصی داشت سود جستند و به این ترتیب به ایده‌هاشان شکلی تئوریک بخشیدند. از سوی دیگر روشنفکران چپ با اینکه به لحاظ تئوریک در مضیقه نبودند اما ایده قابل توجهی همچون اسلام برای همراهی جامعه ایران در دست نداشتند. لذا از اسلام نه تنها به عنوان هویتی گمشده سود بردند بلکه از آن به عنوان پوششی برای حفاظت از خود برابر پهلوی دوم استفاده کردند.

آرمانشهر اسلامی و اسلام مکتبی

«روشنفکران ایرانی در عصر دوم پهلوی، همسو با دیگر بازیگران عرصه همگانی از طریق ضدیت با سیاست‌های مدرنیستی پهلوی در حال ساخت و شکل‌دهی به یک یوتوپیای اسلامی بوده یا حداقل زمینه را برای امکان شکل‌گیری این یوتوپیای فراهم ساخته است» (نجف‌زاده، ۱۳۹۷: ۳۳۸). چهره اصلی روشنفکران معتقد به ایجاد آرمانشهر اسلامی، علی شریعتی است. «شریعتی به عنوان یک متفکر ایدئالیست که رویکردی تجویزی و ارشادی در موضوعات اجتماعی داشت و به شدت از مثل افلاطونی متأثر بود در صدد ترسیم راه‌های وصول به جامعه ایدئال بود که او آن را امت می‌نامید، تا در امت شرایط و بسترهای ساخته‌شدن انسان، فراهم شود (دبیری‌مهر، ۱۴۰۰: ۲۲۲). شریعتی برای دستیابی به این آرمان محتوایی، به ساخت نظریه سیاسی خویش به عنوان یک متفکر شیعه پرداخت. او در درون اندیشه بازگشت به خویشتن، با استخراج مفاهیم انقلاب‌ساز تاریخ اسلام، و استفاده از عناصر ایدئولوژیک، نوعی «آرمانشهر اسلامی» را تصور نمود که بر اساس نگاه مکتبی شریعتی سازمان‌دهی می‌شود و مبنای اصلی این شهر آرمانی آن است که عدالت در آن حاکم خواهد شد. عدالت به واسطه شکل‌گیری مکتب به

ثمر می‌نشیند. مکتب در نگاه شریعتی «عبارت است از مجموعه جهان‌بینی و ایدئولوژی که به پرسش‌های زیر پاسخ می‌گویند: هستی؟ چگونه بودن؟ و چه باید کرد؟ (نیک‌پی، ۱۳۹۹: ۱۱۰). چگونگی استقرار عدالت و هستی این عدالت مبنای این آرمانشهر مکتبی است. نگاه علی شریعتی به مکتب در کتاب اسلام‌شناسی به وضوح چگونگی تغییر نظم ظالمانه است: «مکتب عبارت است از مجموعه هماهنگ متناسب بینش فلسفی، عقاید مذهبی، ارزش‌های اخلاقی و روش‌های عملی که در یک ارتباط علت و معلولی با هم یک پیکره معنادار و دارای جهت را می‌سازند» (شریعتی، ۱۳۵۹: ۲۸). در واقع می‌توان این پیکره معنادار را آرمانشهر تصور نمود. پیکره که در برداشتی ایدئولوژیک از تشیع، ایجاد می‌گردد. این برداشت ایدئولوژیک با «درون‌مایه ضداستعماری و ضدسرمایه‌داری.. اندک‌اندک به دست روشنفکران چپ مذهبی، به‌ویژه علی شریعتی با مفاهیم آشنای امر به معروف و نهی از منکر، اجتهاد، هجرت، شهادت، جهاد، ثارالله و انقلاب حسینی پیوند خورد و زمینه را برای برداشتی دینی و عدالت‌خواهانه.. فراهم کرد» (هاشمی، ۱۴۰۰: ۵۹). نیکی‌کیدی در ریشه‌های انقلاب ایران (۱۳۹۸) درک فضای «آرمانشهری اسلامی» و تغییرات سریع فرهنگی در سال‌های پس از ۱۳۴۰ خورشیدی را منوط به نوع حکومت و جامعه ایرانی می‌داند. وقتی ایده اسلام‌گرایی؛ احیای فکر اسلامی، اعتلای ارزش‌های اسلامی و فرهنگ اسلامی با اندیشه بازگشت به خویشتن روشنفکرانی که در نقش تقلیل‌گرایان مفاهیم مدرن و تقریرکنندگان جامعه آرمانی اسلامی ظاهر شدند، تلاقی می‌کند، و همراه آرمان‌های ضدسرمایه‌داری سوسیالیسم و ایده‌های اجتماعی مارکسیستی می‌شود نوعی از بازگشت را رقم می‌زند که درصدد ایجاد جامعه آرمانی اسلامی است. به تعبیر بیات (۱۴۰۲) این آمیزه نوعی راه سوم بومی است که در آن دوران علی شریعتی آن را تئوریزه می‌کرد. بدین ترتیب تفکر حرکت به

مکتبی، و در جست‌وجوی روش ارائه آرمانشهر او به کمک هنر است. در میان فصول این کتاب، فصل هنر در انتظار موعود، به نظر اصلی‌ترین دیدگاه‌های شریعتی را بیان می‌کند. پس از اجرای نمایشی، در پاریس، به سال ۱۹۶۲ میلادی، که بر اساس زیست خصوصی پیغمبر اسلام، که توسط نویسنده کاتولیک نگاشته شده بود، نگرش شریعتی در مورد هنر تئاتر، ضمن سخنرانی، «زن در چشم و دل محمد(ص) پیرامون تئاتر مذکور، در کلیسایی ایراد می‌گردد. علی شریعتی در آنجا پنج سخنرانی از جمله، «روح ملت ایران و هنر در انتظار موعود» صورت داد که نگرش وی به هنر را تبیین می‌کند. از نظر علی شریعتی «هنر یک (مقوله) دینی است و یک حقیقت متعالی و مقدس است که نجات‌بخش بشریت است و همچنین یک رسالت مافوق مادی و متعالی و صد درصد انسانی دارد» (شریعتی، ۱۳۹۱: ۸).

علی شریعتی با بیان رسالت هنر و به‌خصوص تئاتر در پی نوعی استفاده ایدئولوژیک از هنر برای دین و جامعه، و رسیدن به آرمانشهر اسلامی است. در واقع هنر ابزاری است برای پویایی دین: «تئاتر دارای یک رسالت اخلاقی یا اجتماعی است» (شریعتی، ۱۳۹۱: ۲۴۶) از نظر شریعتی چگونگی صورت دادن مؤثر رسالت نیز اهمیت دارد: «چگونه تئاتر می‌تواند رسالت اخلاقی خود را به‌طور مؤثر و مداوم و فعالی انجام دهد؟» (شریعتی، ۱۳۹۱: ۲۴۶).

از نظر شریعتی، نخست، باید شخصیت‌های اصیل را مبنا قرار داد. او شخصیت‌های اسلامی، همچون ابودر، یا روشنفکران دینی مبارزی همچون سید جمال‌الدین را معرفی می‌نماید که براین اساس متون نمایشی نمونه انتخاب شده‌اند. همچنین بن‌مایه‌های نمایشی برگرفته از ایده بازگشت اسلامی، همچون؛ مبارزه علیه ستم، استبداد و استعمار می‌پردازد که متون با این بن‌مایه نیز انتخاب شده‌اند.

سمت یک اتوپیای اسلامی را به عنوان بازگشت به خویشتن هدف این گفتمان در نظر می‌گیرد. خویشتن دینی و نسبت دین با سوسیالیسم دو مؤلفه اصلی برای درک این آرمانشهر است. دو انگاری؛ اسلام و سوسیالیسم به عنوان پدیده مدرن، موضوعات اصلی این آرمانشهر است که با مجموعه‌ای از ایده‌ها، استراتژی‌ها و بینش‌ها، در صدد ایجاد نظم اجتماعی مطلوب و به تعبیری مدینه فاضله اسلامی برخاسته از بازگشت به اصل اسلام هستند. بدین ترتیب «شریعتی هویت ایرانی را به گذشته اسلامی متصل ساخت (استوار، ۱۳۹۶: ۱۹۶) و سپس با سوسیالیسم آن را تئوریزه نمود. این اتصال با خوانشی جدید از اسلام، به مثابه یک مکتب، فضای جامعه را آماده دگرگونی برای رسیدن به آرمانشهری اسلامی می‌کند. به همین خاطر «اسلام باید از نو منبع انرژی شود تا مردمان گوناگون را به اعتراض فرا خواند» (نیک‌پی، ۱۳۹۹: ۱۰۴). شریعتی برای به‌حرکت درآوردن توده مردم، و ایجاد آرمانشهرش که گویی، از اهداف ایدئولوژیک مارکسیستی است دین را گزینش می‌کند. به همین سبب «شریعتی متأثر از مارکسیسم اروپایی و مکتب فرانکفورت و تفسیر آنان از جایگاه روبنا، به ایدئولوژیک کردن دین همت گذاشت» (بهرامی کمیل، ۱۳۹۵: ۲۸۰). در بررسی ایدئولوژی دینی شریعتی، چهره «شهر آرمانی» شریعتی از درون مفاهیم چون «جامعه بی‌طبقه توحیدی» و یک سری از مضامین همچون «انسان کامل»، «بازگشت منجی»، شکل می‌گیرد. بنا به تعبیر سروش، این گفتمان به دنبال جمع روشنفکری و دینداری (۱۳۷۶) است.

شریعتی، تئاتر در جست‌وجوی آرمانشهر اسلامی

در میان مجموعه آثار علی شریعتی، رساله هنر شریعتی، که برگرفته از سخنرانی‌ها و آموزش‌های علی شریعتی در کلاس‌هایش است، مجموعه‌ای است در تبعیت از نگاه

الف) ابوذر نماینده شخصیت‌های اسلامی در درام مکتبی

«نگاهی به فهرست نام اشخاصی هم که در مجموعه آثار شریعتی اینجا و آنجا ذکری از آن‌هاست می‌تواند تا حدودی علائق شریعتی را آشکار کند. از حضرت علی و... که بگذریم، او در تاریخ اسلام به سلمان و حر علاقه نشان داده و بیش از این دو، و شاید هر کس دیگر به نحو فوق‌العاده‌ای به ابوذر توجه و علاقه داشته و بارها تأکید کرده» (هاشمی، ۱۳۹۶: ۳۰). است. در گفتمان بازگشت به خویشتن، شریعتی، «که مظهر و نمودار کامل یا تام آن ابوذر است» (کچوئیان، ۱۳۸۶: ۱۴۲)، رنسانس اسلامی در آرمانشهر شریعتی با ابوذر ممکن است. چون «ابوذر شخصیت آرمانی شریعتی است» (هاشمی، ۱۳۹۶: ۴۸). به تعبیر خود شریعتی، «بزرگ‌ترین کاروشن‌فکر این است که ... اسلام را چنان بفهمد که ابوذر، این مسافر بیابان، می‌فهمید» (نجف‌زاده، ۱۳۹۷: ۳۵۵). علت اساسی توجه شریعتی به ابوذر، در شخصیت و موقعیت وی در صدر اسلام مرتبط است. چون در میان شخصیت‌های برجسته صدر اسلام، این ابوذر است که ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی مد نظر شریعتی را به خوبی بیان کند. «ابوذر کسی است که در مبارزه‌اش بر اصول کلی و اصطلاحات مبهم و شعارهای فرعی و مسائل ذهنی و نیازها و هدف‌های ایدئالیستی خیال‌پرستانه، فیلسوفانه، علمایی، اخلاقی، کلامی، جدلی، روبنایی، انحرافی و حساسیت‌های روشنفکرانه ذهنی و احساسی حکما و عرفا و فقها و متکلمان تکیه نکرد. معلول را به جای علت نگرفت و نشان داد که از کجا باید آغاز کرد. خطوط اصلی مبارزه‌اش را مبارزه با تبعیض طبقاتی برای استقرار عدالت تعریف کرد». توجه و اوج علاقه شریعتی به ابوذر را در خودسازی انقلابی (۱۳۷۹) می‌توان دید. «ابوذر که عامی بود در برابر سلمان، چون در مبارزه شرکت کرد اثری گذاشت که چهره علمی زمان پیامبر. سلمان.

از آن محروم است» (شریعتی، ۱۳۷۹: ۴۵). این توجه شریعتی، و تأکید او بر جنبه‌های انسانی و اسلامی ابوذر است که ابوذر را به عنوان یک سرنمون بازگشت به خویشتن اسلامی تشیع قرار دهد و شریعتی در آثار متعددی همچون شیعه (۱۳۸۱)، ابوذر (۱۳۸۱) و *بازشناسی هویت ایرانی-اسلامی* (۱۳۸۱) به ابوذر اشاره می‌کند. در واقع گویی ابوذر شخصیت آرمانی شریعتی است و هویتی را هم که می‌سازد همانا هویت مبارزی اجتماعی و سیاسی است. شریعتی تأکید می‌کند که افراد بزرگ یک نیروی زندگی جاودان در تاریخ دارند و نسل‌های جدید باید یاد آنها را گرامی بدارند و اسلام نمونه‌های فراوان از این دست دارد که در شخصیت.. ابوذر تجلی یافته است (قیصری، ۱۳۹۳: ۱۷۰). به نظر می‌رسد برای اینکه بتوان، شخصیت ابوذر شریعتی را درک کرد باید ویژگی‌های انسان در نظر شریعتی را بازشناسی نمود. انسان در نظر شریعتی؛ موجودی «آرمانی، سیاسی، عصیانگر و منتظر» (شریعتی، ۱۳۹۵: ۹) است. از نظر او «تمام جریان تاریخ، داستان برخورد هابیل و قابیل، یعنی برخورد میان دو گونه متضاد انسان، بوده است (قیصری، ۱۳۹۳: ۱۷۱). شریعتی «مفاهیمی روشن را از دل میراث فرهنگ دینی تصفیه و استخراج کرد و به جای اسلام فرهنگی بوعلی صفت، اسلام انقلابی ابوذری صفت را نهاد» (استوار، ۱۳۹۶: ۱۹۶). این انسان، در تبعیدی خداگونه، و با کشیدن بار امانت الهی است که به خویشتن خدایی می‌رسد و می‌تواند بهشتی این جهانی و انسانی بر روی زمین بیافریند. بنابراین، در نگرش شریعتی آرمانشهر اسلامی برای تحقق خویش نیازمند انسان کامل به تعبیر وی انسان سوسیالیست است. «انسان سوسیالیست، پیش از آن یک انسان خدایی است» (ج ۲ ص ۱۴۸). «این حال» (شریعتی معتقد است که تنها اسلام از انسان باوری واقعی برخوردار است» (بیات، ۱۴۰۲: ۷۹). ویژگی‌های اخلاقی این انسان از نگاه شریعتی

ب) سید جمال نماینده روشنفکران در درام مکتبی

شریعتی «به سید جمال الدین اسدآبادی بسیار علاقه مند است و او را بزرگترین بنیانگذار نهضت اسلامی می‌داند» (هاشمی، ۱۳۹۶: ۳۱) سید جمال علاوه بر ویژگی‌های اسلامی، در نزد شریعتی روشنفکری برجسته نیز محسوب می‌گردد و به همین دلیل است که در تعداد قابل توجهی از آثارش همچون *مخاطب‌های آشنا* (۱۳۸۲)، *ما و اقبال* (۱۳۸۰) *جهان بینی و ایدئولوژی* (۱۳۷۱) و *علی‌ارغ* (۱۳۸۲) این علاقه‌مندی را بیان کرده است. درباره سید می‌گوید: «در دنیای اسلام نهضت سید جمال در دو جبهه فرهنگی و سیاسی پیش می‌رفت و خودآگاهی مترقی اسلامی ضد استعماری، توده‌های وسیعی را بسیج می‌کرد (شریعتی، ۱۴۰۱: ۵۴). از نظر شریعتی سید یک مصلح به معنای واقعی است: «طرفدار تکامل تدریجی و اصلاح ظاهری جامعه بودند. نه! بلکه به یک معنی طرفدار انقلاب عمیق و ریشه‌دار بودند. انقلاب در اندیشیدن و نگاه کردن، در احساس کردن، انقلاب ایدئولوژیک، انقلاب فرهنگی» (شریعتی، ۱۳۹۰: ۴۲). «زیرا سید جمال خطر را پیش از وقوعش احساس می‌کند و به شامه بومی و شخصیت آمی خودش بو می‌برد که زیر این زرق و برق‌های مدرنیسم قیافه کریه مهیب استعماری بی‌رحم» (شریعتی، ۱۳۹۸: ۱۴ و ۱۴۱) قرار دارد. از نظر شریعتی، سید، ویژگی دارد که او را به عنوان سرنمون قابل توجه می‌کند:

«نه میز می‌گیرد، نه محراب، نه به نام محتاج است و نه نان؛ نه سرش به بند زور می‌آید و نه دلش به پیوند زر. مردی که زندگی‌اش را به ایمانش بخشیده است و لحظه‌ای گریبان استعمار و استبداد را رها نکرده است»

سید نیز اصول اخلاقی مدنظر شریعتی، ایثار، ملاک خیر و شر و امر و ناهی را به تمامی داراست. شخصیت سید دستمایه

عبارتند از؛ ایثار، ملاک خیر و شر، امر و ناهی. و ابودر سوسیالیست هر سه این ویژگی‌ها را دارد. متأثر از آموزه‌های علی شریعتی، باورمندان به بازگشت به خویشتن اسلامی به ترسیم شخصیت ابودر در متون نمایشی پرداختند. نمایشنامه *اقتباسی ابودر غفاری* (۱۳۵۲) نوشته جاسم محرابیان، نمایشنامه *یک بار دیگر ابودر* (بی تاریخ) نوشته رضا دانشور، متن نمایشی *ابودر غفاری* نوشته علی باقری و متن نمایشی *لحظه‌های ابودر* (۱۳۵۷) که نویسنده‌ای ناشناس دارد، از آن جمله است. علاوه بر نمایشنامه‌هایی که به‌طور مشخص به زندگی ابودر می‌پردازد متون نمایشی دیگری نیز وجود دارند که به سایر شخصیت‌های اسلامی می‌پردازند: متن نمایشی *مصعب و خباب (دوشهید)* اثر مرتضی زمانی‌نیا، *بلال* اثر حسین نوروزی، اشاره کرد. (تصویر ۲)

شخصیت‌های اسلامی ⇨ ابودر

ابودر غفاری (۱۳۵۲) نوشته جاسم محرابیان

یک بار دیگر ابودر (بی تاریخ) نوشته رضا دانشور

ابودر غفاری نوشته علی باقری

لحظه‌های ابودر (۱۳۵۷) نویسنده بی ناشناس

روشنفکران دینی مبارز

⇨ سید جمال الدین اسد آبادی

تذکره کنستانتینوبل (۱۳۵۷) آرمان امید

موضوعات بر گرفته از ایده بازگشت اسلامی

مبارزه بر علیه ستم، استبداد

شورشیان کوفه (۱۳۵۶) اثر عباس سعیدی

نهضت سر به داران (۱۳۵۶)

تصویر ۲.

متون نمایشی

نیز در پی مامور وارد دربار خلیفه می‌شود و به نصیحت عثمان می‌پردازد که قوانین اسلام را رعایت کند، در همین حین دو برادر، مرد ساربان را نزد عثمان می‌آورند و از او تقاضای قصاص پدرشان را دارند. عثمان بدون هیچ بررسی دستور می‌دهد تا مرد ساربان به جرم قتل گردن زده شود. ابوذری که چنین می‌بیند به وساطت ساربان می‌پردازد و در انتها می‌پذیرد ضامن ساربان شود تا ساربان پول خون پدر آنها را بدهد. ساربان می‌رود و عثمان خیال دارد با نیامدن ساربان گردن ابوذری را بزند ساربان باز می‌گردد و دو برادر که متوجه درستکاری او می‌شوند شکایت خود را پس می‌گیرند. در پرده دوم عثمان مشغول شنیدن نیکی‌های عوف است که ابوذری به دربار می‌آید. در آخرین پرده این نمایشنامه، به دوران تبعید ابوذری در ریزه می‌پردازد و او با خود مورد زندگی‌اش سخن می‌گوید. *لحظه‌های ابوذری* متنی نمایشی در چهار پرده است که نشر تشیع در سال ۱۳۵۷ خورشیدی، در قم آن را چاپ کرده است. این اثر، متنی مکتبی است که با قرار دادن ابوذری به عنوان شخصیتی اجتماعی و سیاسی در مرکز اثر، متنی شعارزده و خارج از هرگونه انگیزه نمایشی خلق کرده است. این متن نمایشی کوتاه تاریخی، متنی شعاری، فاقد ساختار دراماتیک و فاقد هرگونه هویت است. شخصیت‌پردازی چندانی ندارد و با نگاه تبلیغی مذهبی و سیاسی، به دوران حیات ابوذری غفاری و خلیفه سوم مسلمانان عثمان می‌پردازد.

یک بار دیگر *ابوذری*، نمود عینی هنر منبعث از گفتمان عدالت‌خواه، آرمان‌گرا و معترض شریعتی است. رضا دانشور با تشویق علی شریعتی و براساس یکی از کتاب‌هایش، نمایشی تحت عنوان یک بار دیگر ابوذری نوشته و داریوش ارجمند آن را به اجرا می‌رساند (دانشور، بی‌تا: ۷).

متن نمایشی از آرمان امید تحت عنوان تذکره کنستانتینوپل است. متن نمایشی با ارائه شخصیت اجتماعی سیاسی در قالب یک روحانی در جست‌وجوی خصوصیات یک قهرمان بازگشت به خویشتن اسلامی است. در این آثار نبرد با ستم و مقاومت ابزاری هستند که درام مکتبی را شکل می‌دهند.

نمایشنامه‌های منتخب ابوذری غفاری (۱۳۵۲)

جندب بن جناده (ابوذری) یکی از راهزنان قبیله غفار، همراه دوستانش به جای عبادت بتها و درخواست باران در بتکده، به ناتوان بودن بت‌ها پی می‌برد. با درک بعثت پیامبر، انیس برادر خود را پی بررسی اسلام می‌فرستد. مدتی بعد هم اسلام می‌آورد و از نزدیکان پیامبر می‌گردد. در نهایت به سبب حق‌گویی و مبارزه با دربار فاسد عثمان خلیف سوم دستگیر به بیابان ریزه تبعید می‌گردد. *نمایشنامه ابوذری غفاری* توسط جاسم محرابیان، در پنج پرده نگارش یافت و به اجرا رسید. محرابیان به تنظیم نمایشنامه بر مبنای ترجمه شریعتی از کتاب جوده السحار اصرار دارد و به همین دلیل این نمایشنامه کارکردی تربیتی دارد و بیشتر اثری سیاسی اجتماعی است. متن فارغ از هر ایده اجرایی و تئاتری، اهداف سیاسی نویسنده را دنبال می‌کند. به همین دلیل گفت‌وگوها شعارگونه، پراکنده، بی‌هویت و غیردراماتیک و بافته ذهن سیاست‌زده نویسنده است و چون این اثر برای انگیزه‌های اجتماعی و سیاسی نگارش یافته، نمایشنامه فاقد هرگونه عمل نمایشی و ساختار دراماتیک است.

لحظه‌های ابوذری (۱۳۵۷)

دغدغه عثمان، خلیفه سوم مسلمین، چگونگی افزایش درآمد دربارش است که یکی از مأمورین مالیاتی او به نزدش می‌آید. ابوذری

با صدای مسلسل... همه کشته می شوند
(سعیدی، ۱۳۵۶: ۱۱).

نَهضت سربداران (۱۳۵۶)

در این دوران، متن‌های زیادی در مورد نهضت سربداران تحریر شد. یکی از این متون با نویسنده ناشناس توسط نشر سجاد در سال ۱۳۵۶ با صفحات اندک چاپ شده است. «متن ضعیف، سست و بسیار ابتدایی است. نهضت سربداران فاقد هرگونه ساختار دراماتیک است و تقریباً از روی متن‌های دیگری که در مورد این نهضت به نگارش در آمده کپی شده است» (فرخی، ۱۳۸۶: ۲۴۹). طرح این اثر پیچیدگی چندان ندارد. پسری در روزگار معاصر بر روی صحنه تئاتر، کتابی تاریخی می‌بیند. با تورق کتاب آرام‌آرام در یک روند تدریجی شخصیت‌های واقعه نهضت سربداران خراسان در دوران هجوم مغول‌ها زنده می‌شوند: شیخ خلیفه و شاگردانش، به مبارزه می‌پردازند تا زمانی که به شهادت می‌رسند. ایلچیان مغول به خانه دو برادر. حسن حمزه و حسین حمزه. می‌روند، شراب و... می‌خواهند. برادران که این بی‌حرمتی را تاب نمی‌آورند، به مغولان حمله کرده و آنها را از بین می‌برند.

ویژگی‌ها در سطح ایدئولوژیک (نمونه‌های موردی)

متون نمایشی با توجه به ویژگی‌های ارائه شده توسط آلموند و همکاران در دو سطح ایدئولوژیک و سازمانی انتخاب شدند و نظریه نقد ادبی در فضای بنیادگرایی اکسل استهلر و کلاوس استایرستورفر بر مبنای ایده بازگشت به خویشتن اسلامی شریعتی روشنفکر سرزمنون دینی بررسی می‌گردند. متون نمایشی متأثر از اندیشه بازگشت به خویشتن اسلامی به نوعی خود را در برابر فرایند و نتایج دنیوی شدن دین قرار می‌دهند. بازگشت به خویشتن اسلامی به کمک ارائه شخصیت ابوزر، مصعب،

تذکره کنستانتینوپل (۱۳۵۷)

نوجوان شانزده ساله‌ای به نام یحیی را برای انجام برخی امور سید جمال‌الدین اسدآبادی به نزد او در زندان عثمانی می‌برند. سید در حال سپری کردن دوران تبعیدش در زندان است. در این روزهای آخر حبس سید، یحیی در نزد او خواندن و نوشتن یاد می‌گیرد و چنان به سید علاقه‌مند می‌شود که نمی‌تواند او و اندیشه‌های او را ترک کند. در حالی که یحیی خاطرات خود از سید را بازسازی می‌کند، به لحظات شهادت سید توسط رئیس تامینات عثمانی و مسمومیت او می‌رسد. این اثر علاوه بر بیان تأثیر سید بر نسل‌های آینده تأکید می‌کند. نگرش سید، خصوصاً دیدگاه بازگشت به اسلام، و احیاء اسلامی، در قالب آیات و روایات و با لافاتی شاعرانه و بسیار موجز بیان می‌شود و فضایی عاطفی و تاریخی و البته مبارزاتی را خلق می‌کند. «آرمان امید سعی کرده از وجه مشترک عاطفی دو نسل، نسلی که مبارزه کرده، سابقه طولانی در این کار دارد و اکنون به پایان راه رسیده، و نسل جدید، که تازه در آغاز راه است، استفاده کند» (فرخی، ۱۳۸۶: ۵۴).

شورشیان کوفه (۱۳۵۶)

متن نمایشی، شورشیان کوفه یا قسط‌طلبان اثر عباس سعیدی پور، اثری است ایدئولوژیک که سعی دارد مبارزات نیروهای خیر و شر دوران معاویه و حجر را به مبارزات امروز پیوند بزند. استفاده از تداخل زمانی و مثلاً تیرباران حجر با مسلسل از آن جمله است. شورشیان کوفه به زندگی یکی از مبارزان قرون نخست اسلامی، «حجر بن عدی» می‌پردازد. فضای این متن نمایشی در دو جبهه حق و باطل به بیان زندگی و اهداف حجر از اصحاب علی^(ع) می‌پردازد. نویسندگان تمام تلاش خود را برای اتصال مجاهدت‌های حجر به فضای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ صورت می‌دهد: نور سرخ غلیظی تمام صحنه را پر می‌کند. دستان حجر و... بسته‌اند...

خاب، بلال، برادران حمزه، و سید جمال الدین اسدآبادی در متون نمایشی به عنوان شخصیت‌های سرنمون، نشان‌دهنده تلاش نویسندگان برای دفاع از سنت دینی است.

واکنش به حاشیه‌سازی دین و متون نمایشی

در متون نمایشی که با محوریت ابوذر نگاشته شده است، از جمله، *ابوذر غفاری* اثر محرابیان، شخصیت ابوذر به عنوان یکی از صحابه پیامبر، به عنوان یک بنیادگرای پای‌بند اصول که نماد عدالت‌خواهی و مقاومت است و با هرگونه انحراف از جامعه آرمانی رسول‌الله، چه در سطح اجتماعی-دینی و چه در سطح سیاسی-دینی مخالفت می‌کند. از نظر این متون دوران پیامبر اصل است و باید کوشید به آن دوران بازگشت. همین دوران است که از، شخصیت ابوذر، یک معترض مبارز و مقاوم در دوران عثمان را می‌سازد. دین در اینجا به مثابه ابزار مقاومت است شریعتی وقتی از درون چشمان ابوذر، به جهان می‌نگرد انحراف جامعه امروز از جامعه آرمانی رسول‌الله را می‌بیند. بنابراین اولین تلاش برای رسیدن به جامعه آرمانی، دین را از حاشیه به متن جامعه آوردن است. طبق بیان سید جمال الدین اسدآبادی در متن نمایشی *تنگرۀ کنستانتینوپل*، همه مسائل و مشکلات اجتماعی جامعه مسلمانان از محوریت روحی و معنوی نشئت می‌گیرد. این نگرش گاهی همه مدرنیته و مظاهرش را دشمن اصلی خود و عامل اصلی دین می‌داند. بنابراین از نظر اینان حفظ گذاره‌های دینی گاهی تنها گرو مبارزه با مدرنیته به عنوان، جریانی طاغوتی صورت می‌گیرد. چنانکه در متن نمایشی شورشیان کوفه، احیای جامعه اسلامی پیامبر را شرط اسلامی شدن جامعه می‌داند.

گزینش بخش‌های از مدرنیته، به بازسازی بخش‌های از سنت می‌پردازند. استفاده از مفاهیم سوسیالیستی برای تبیین مفاهیم اسلامی نمونه خوبی برای گزینشگری این نوع بنیادگرایی است. از میان خیل اصحاب رسول‌الله^(ص) و حضرت علی^(ع) به گزینش ابوذر و حجر می‌پردازد. در این معاصرین با وجود تعداد زیادی روحانی، سید جمال الدین را برمی‌گزیند که از یک طرف مبنای یک دولت مدرن را پی‌می‌گیرد و هم‌زمان مؤمن به قوانین اسلامی است.

جهان‌بینی مبتنی بر دوگانه‌انگاری در متون نمایشی

اعتقاد به دوگانه‌انگاری خیر و شر، و پیروزی خیر بر شر، از مهم‌ترین باورهای بنیادگرایان است. از نظر آنان دنیای بیرونی، آمیخته از شر و آلودگی است و باورمندان به این نگرش به واسطه حفظ از شربدی، بازگشت افراطی به اصول را تبلیغ می‌کنند. بنابراین بنیادگرایان درصدد ایجاد نوعی اکثریت اخلاقی باورمند به کنش شخصیت‌های همچون ابوذر، مصعب، حجر، برادران حمزه و سید جمال الدین هستند. پس به نوعی، غیریت‌سازی داخلی و خارجی، می‌پردازند و دشمنان ابوذر، مصعب، حجر، برادران حمزه و سید جمال الدین، را دشمن اسلام معرفی می‌کنند. ویژگی مشترک دشمنان حجر با علاقه‌مندی‌های دنیای مدرن، باعث می‌گردد تا دنیای مدرن در یک نتیجه‌گیری ذهنی، دشمن اسلام محسوب شود. در نمایشنامه *لحظه‌های ابوذر*، در برابر عثمان و دربارش، ابوذر صحابی پیامبر به نصیحت می‌ایستد که خلیفه سوم از پول پرستی و تبعیض دست بردارد. ایستادگی ابوذر در برابر خلیفه، ایستادگی در برابر استبداد امروز است.

مطلق‌انگاری و خطاناپذیری در متون نمایشی

در این متون نمایشی باوری راسخی بر صحت عقاید اسلامی وجود دارد. اصطلاحاتی

گزینش‌گری و متون نمایشی

بنیادگرایی گزینش‌گر است، علاوه بر

حدود مشخص در متون نمایشی

مرز روشنی بین آرمانشهر اسلامی و دنیای مدرن در متون نمایشی *تک کره کنستانتینوپل*، *شورشیان کوفه* و *نهضت سربرداران* و سایر نمونه‌های پژوهش وجود دارد. رهبری معنوی شخصیت‌های اصلی - سید، شیخ خلیفه - علاوه بر آموختن، تحول بسیار عمیقی را برای نسل جوان به همراه دارند.

سازمان مقتدر در متون نمایشی

در متن *نمایش سربرداران*، تلاشی عمده از سوی برادران حمزه، شیخ خلیفه برای دستیابی به سازمان مقتدر دیده می‌شود. این خاصیت در متن ابوذری کمتر به چشم می‌آید.

الزام‌های رفتاری در متون نمایشی

در تمامی متون می‌توان رفتارهای الزام‌آور به معتقدات اسلام را پیدا نمود. اصولاً مبارزه با ظلم عنوان برجسته‌ترین رفتار الزام‌آور در این متون آشکار است.

نتیجه‌گیری

با تکیه بر یافته‌های پژوهش در این مقاله، بر مبنای الگوی نظری بنیادگرایی دینی که توسط گابریل آلموند و همکاران ارائه شده است و تئوری ارتباط بنیادگرایی با ادبیات، اکسل استهلر و کلاوس استایرستورفر در فضای مطالعات فرهنگی و ادبی، مفهوم بنیادگرایی درون متون نمایشی با فرض پذیرش بازگشت به گذشته اسلامی، به عنوان نوعی جنبش بنیادین اسلام‌گرا، به نمایندگی از علی شریعتی، به واسطه روبه‌روی با مسائلی، همچون سکولاریسم و دولت سکولار، خویشتن را به نوعی قیام اسلامی سوسیالیستی متعهد می‌داند. باور معتقدان به بازگشت به خویشتن اسلامی، بر این مبناست که جامعه به آن صورتی که باید باشد نیست بنابراین باید به نفع یک

همچون امت اسلامی و وحدت اسلامی و بازگشت به اسلام اصیل، انعکاس نوعی، مطلق‌انگاری و خطاناپذیری است. نمایشنامه با اعتقاد به خطاناپذیری ایمان ابوذری، حجر و سید جمال‌الدین، و عدم تردید در راه آنان، لحظات سخت و طاقت‌فراسایی از زندگی این شخصیت‌ها را نشان می‌دهد. در نگرش آنان، پذیرش این مسئولیت است که سرنوشت آینده جهان را رقم خواهد زد.

هزاره‌گرایی و موعودگرایی در متون نمایشی

از نظر بنیادگرایان، تاریخ پایانی معجزه‌آسا و مقدس دارد. در پایان تاریخ، موعود بازمی‌گردد و رنج‌ها با آمدن او پایان می‌یابند. شر و بدی نابود می‌گردد و جامعه مؤمنین به پیروزی می‌رسند. ابوذری در متن نمایشی ابوذری غفاری با این نگاه به رهروان خود دلگرمی و اطمینان می‌دهد که تغییرات سریع در آینده نزدیک رخ خواهد داد و حکومت الهی روی زمین تأسیس خواهد شد. با توجه به نگاه کلاسیکی که در مورد ظهور حضرت مهدی (عج) در میان مومنین بازگشت به خویشتن اسلامی در متون نمایشی شورشیان کوفه و نهضت سربرداران وجود دارد می‌توان علائم موعودگرایی، همچون؛ امام مهدی (عج)، مبارزه‌جویی، شهادت‌طلبی و خون شهید را در متون می‌توان دریافت نمود.

ویژگی‌های سازمانی در متون نمایشی

برگزیدگی (خودحق‌پنداری) در متون نمایشی

معتقدان به بازگشت به خویشتن اسلامی، در نمایشنامه‌های *شورشیان کوفه*، *نهضت سربرداران* و سایر متون نمایشی به‌وضوح از نوعی حق‌پنداری و برگزیدگی، برای باورمندان به جنبش بنیادگرایی سخن می‌گویند. در واقع آنها درصد ساخت نوعی هویت اسلامی هستند که یگانه راه نجات را اسلام می‌داند و در نهایت به نظامی که تمامی ابعاد جامعه را در بر می‌گیرد اعتقاد دارند.

بازگشت به خویشتن اسلامی چشم به گذشته درخشان دارند و یا حداقل شخصیت‌های برجسته‌ای را برای جامعه آرمانی به‌کار می‌گیرند. این متون، مشخصاً مدرنیته و مظاهر آن را دشمن اصلی خود و عامل اصلی حاشیه‌ای کردن دین نمی‌دانند؛ اما نتایج حاصله از غربت دین در متن نمایشی، همچون غربت دین در دوران مدرن است. در متن نمایشی *شورشیان کوفه*، بسیج کردن مردمان توسط حجرین عدی به‌واقع بسیج کردن مردمان در برابر نیروهای عرفی در جهان مدرن است. تلاش برای ترسیم قهرمان و سیمای شخصیتی متفاوت با جهان مدرن و همچنین ترسیم یک مدینه فاضله دینی برای جلوگیری از حاشیه‌ای شدن دین است. مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی عثمان در نمایشنامه *لحظه‌های ابودر*، مبارزه برادران حمزه با مغولان و مبارزه سید جمال‌الدین با حکومت‌های فاسد، به تعبیر نویسندگان مبارزه سنت اصیل با دنیای مدرن است. متون نمایشی نمونه، بیش از آنکه کنشی نمایشی داشته باشد کنشگر عرصه بنیادگرایی دینی شده‌اند. نتوانسته‌اند جای پای محکمی در فضای ادبیات نمایشی به وجود آورند. اساساً هدف نگارش متون نمایشی متأثر از جریان روشنفکری دینی، بازگشت به خویشتن و نوعی مقاومت ایدئولوژیک فرهنگی در برابر نظام نیمه‌سرمایه‌داری پهلوی بوده است.

ایده هنجاری و در اینجا ساختگی از جامعه‌ای در گذشته اسلامی تغییر کند. نسبت این تغییر با ادبیات نمایشی و تئاتر، به شناسایی علل استفاده از ایده «بازگشت به خویشتن اسلامی» در متون نمایشی می‌پردازد. بنیادگرایی باعث روند روبه‌رشد حرکت مذهب به درون جامعه و سیاست می‌شود و در ساحت قدسی و آخرتی مفاهیم دینی به رویکردهای اجتماعی و دنیوی تغییر به وجود می‌آورد برای توجیه این پیشروی و تغییر، نیازمند بهره گرفتن از ادبیات و ادبیات نمایشی است. از نظر پژوهشگران این مقاله، بنیادگرایی مورد نظر روشنفکران دینی این دوران تمایل دارد که با اصلاح اجتماعی-فرهنگی به مدد دین، فضای سیاسی را سامان دهد. متن نمایشی و شخصیت‌های اسلامی با استفاده از معیارهای مورد علاقه جنبش بازگشت به خویشتن اسلامی در متون برگزیده نمایشی (انطباق معیارها و ویژگی‌های نه گانه بنیادگرایی در دو سطح ایدئولوژیک و سازمانی) و ارائه شخصیت‌های دوران شکوهمند، همچون ابودر و حجر، برای این هدف بنیادگرایی بازگشت به خویشتن نوشته و آماده اجرا می‌شود. این نوع نگاه عوارض مهمی برای بنیادگرایی، روشنفکری و یک اثر نمایشی به همراه دارد. در اینجا محتوا و موضوع نمایش بسیار مهمتر از فرم و تکنیک آن است چنان‌که تنها محتوای درون متن نمایشی برای این معتقدان اهمیت دارد. متون نمایشی با ایده

پی‌نوشت‌ها

۱. Fundamentalism: فاندامنالیسم یا بنیادگرایی مرکب از دو واژه فاندامنالتال و ایسم از واژه لاتین fundamentum بنیاد و زیرساخت دیدگاهی ذهنی که با پایبندی سازش‌ناپذیر به بنیادهای مذهبی یا تکرشی ایدئولوژیک است که می‌کوشد در امر سیاست دخالت نماید.
۲. Secularism: مفهومی که بر جدایی دولت و سایر منابع قانون از هر نوع اعتقاد مذهبی تأکید دارد.
۳. Utopian Socialism: سوسیالیسم آرمانشهری، اصطلاحی که در ادبیات تاریخی و فلسفی برای آموزه‌های پیش از مارکسیسم در مورد امکان تغییر جامعه بر اساس اصول سوسیالیستی و ساختار عادلانه آن پذیرفته شده است.

فهرست منابع

• آرمان، امید (۱۳۵۷)، *تئتر و کنستانتینوپول*، چاپ نخست، تهران: انتشارات دانشکده هنرهای دراماتیک (دانشگاه هنر).

بازگشت به خویشتن اسلامی روشنفکران دینی و تئاتر مکتبی

حسن فرضی پور علی کمر، مجید سرسنگی، کاظم نظری « صفحه ۶۲-۴۷

- آر. کدی، نیکی (۱۳۹۸)، *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، چاپ سوم، تهران: نشر علم.
- بهرامی کمیل، نظام (۱۳۹۵)، *گونه‌شناسی روشنفکران ایرانی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات کویر.
- بیات، آصف (۱۴۰۲)، *انقلاب بدون انقلابیون*، ترجمه علیرضا صادقی و رضا آرت، چاپ نخست، تهران: انتشارات شیرازه کتاب ما.
- زمانی نیا، مرتضی (۱۳۵۵) *مصعب و خیاب (دوشهید)*، قم: نشر غدیر.
- دانشور، رضا (بی تا)، *نمایشنامه یک بار دیگر/بودر*، نشر نامعلوم.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۹۲)، *سیری در تاریخ روشنفکری در ایران و جهان*، چاپ نخست، تهران: انتشارات سخن.
- سعیدی پور، عباس (۱۳۵۶)، *شورشیان کوفه*، چاپ اول، تهران: نشر بعثت.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۶)، *روشنفکری و دینداری*، چاپ نخست، تهران: نشر پویه.
- شریعتی، علی (۱۳۷۹)، *خودسازی انقلابی*، مجموعه آثار ۲، چاپ سیزدهم، تهران: نشر چاپخش.
- شریعتی، علی (۱۳۹۰)، *ما و اقبال: مجموعه آثار ۵*، چاپ سیزدهم، تهران: ناشر الهام- شانه بسر.
- شریعتی، علی (۱۳۹۱)، *بودر: مجموعه آثار ۳*، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات چاپخش.
- شریعتی، علی (۱۳۹۱)، *انسان بی خود: مجموعه آثار ۱۵*، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات قلم.
- شریعتی، علی (۱۳۹۱)، *هنر، چاپ سیزدهم*، تهران: انتشارات چاپخش.
- شریعتی، علی (۱۴۰۱)، *بازگشت*، چاپ سوم، تهران: انتشارات سپیده باوران.
- فرخی، حسین (۱۳۸۶)، *نمایشنامه نویسی در ایران*، جلد اول، چاپ نخست، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- قیصری، علی (۱۳۹۳)، *روشنفکری ایران در قرن بیستم*، ترجمه محمد دهقانی، چاپ سوم، تهران: انتشارات هرمس.
- کچوئیان، حسین (۱۳۸۶)، *تطورات گفتمان‌های هویتی ایران*، چاپ دوم، تهران: نشرنی.
- محرابیان، جاسم (۱۳۵۲)، *نمایشنامه/بودر غفاری*، چاپ نخست، قم: ناشر مکتب.
- محمودی، سید علی (۱۳۹۸)، *نواندیشان ایرانی*، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.
- ناشناس (۱۳۵۷) *حظه‌های/بودر*، چاپ نخست، قم: ناشر تشیع.
- ناشناس (۱۳۵۶) *نهضت سریداران*، چاپ نخست، قم: ناشر سجاد.
- ناشناس (۱۳۵۷) *حجر*، چاپ نخست، قم: ناشر میعاد.
- نجف‌زاده، مهدی (۱۳۹۷)، *جابه‌جایی دوا انقلاب: چرخش امر دینی در جامعه ایرانی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات تیسرا.
- نوروزی، حسین (۱۳۵۷)، *بلال*، قم: ناشر یاسر.
- وحدت، فرزین (۱۳۹۵)، *روبارویی فکری ایران با مدرنیت*، ترجمه مهدی حقیقت خواه، چاپ پنجم، تهران: انتشارات ققنوس.
- هاشمی، سیداحمد (۱۴۰۰)، *روشنفکری و روشنفکران در جهان اسلام*، چاپ نخست، تهران: نشر کتاب مرجع.
- هاشمی، محمد منصور (۱۳۹۶)، *دین‌اندیشان متجدد: روشنفکری دینی از شریعتی تا ملکیان*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات کویر.

- Amir Arjomand, Said (1988) Authority And Politcal culture in SHI ISM, University of New York Press.
- Appleby, R. Scott, Gabriel Abraham Almond, and Emmanuel Sivan (2003). Strong Religion. Chicago, University of Chicago.
- Appleby, R. Scott, Martin E. Marty(1991- 2004) Fundamentalism Project, five volumes.
- Caplan, Lionel (1987) Studies in Religious Fundamentalism, Albany, NY: SUNY Press.
- Dabashi, Hamid (1993) Theology of Discontent: The Ideological Foundation of the Islamic Revolution in Iran, New York: New York University Press.

- Smelser, Nil J. (2022) Theory of Collective Behaviour, Legare Street Press.
- Stahler, Axel, Klaus Stierstorfer(2009) Writing fundamentalism, Cambridge Scholars Publishing.